







Investigating the Role of Effective Cooperative Policies on the Organizational Entrepreneurship of Production Cooperatives in Kerman Province and Presenting an Optimal Model in line with the Implementation of the General Policies of the I.R.Iran

Amin Yousefpour¹  Sanjar Salajeghe²  Mohammad Jalal Kamali³ 
Navid Fatehi Rad⁴ 

1. PhD student in public administration, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.
2. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran (Corresponding Author).
Email: sjr.salajeghe@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

Abstract

Organizational entrepreneurship as a type of entrepreneurship is a necessary action if the organization wants to continue its growth. Due to the importance of entrepreneurship, the entrepreneurship policy as a part of the country's macro policies has progressed rapidly in different countries in the past few decades. Therefore, the current research sought to investigate the role of cooperative policies on the organizational entrepreneurship of production cooperatives in Kerman province and to provide an optimal model. This research is applied in terms of purpose, In terms of method, mixed research method, and in terms of data collection, it is placed in the descriptive-survey research group. Using the researcher-made questionnaires the required data were extracted. To check the validity and reliability of the questionnaire, CVR, CVI and Cronbach's alpha coefficient were used, and the values of 0.73, 0.93 and 0.846 were obtained. After the exploratory and confirmatory factor analysis of the data obtained from the questionnaires, the final model was prepared. The results of this research confirm the relationships between the variables and dimensions of the model and also indicate that the government has not succeeded in fulfilling the role of entrepreneurial policies of cooperatives.

Keywords: The Role of Entrepreneurial Policies, Implementation of Entrepreneurship Policy, Organizational Entrepreneurship, Cooperative

E-ISSN: 2345-2552 / Center for Strategic Research / Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies





Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 20.1001.1.23452544.1403.12.48.4.1

 10.30507/jmisp.2024.424578.2656

بررسی نقش خطمشی‌های تعاون مؤثر بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان و ارائه مدل مطلوب در راستای اجرای سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

امین یوسف‌پور^۱  سنجر سلاجقه^۲  محمد جلال کمالی^۳  نوید فاتحی راد^۴ 

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: sjr.salajeghe@gmail.com
۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
۴. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

کارآفرینی سازمانی به‌عنوان نوعی از کارآفرینی، اقدامی ضروری است که سازمان بخواهد به رشد خود ادامه دهد. با عنایت به ضرورت کارآفرینی، خطمشی کارآفرینی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های کلان کشورها در چند دهه گذشته، به‌سرعت در کشورهای مختلف پیشرفت نموده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش خطمشی‌های تعاون مؤثر بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان و ارائه مدل مطلوب در راستای اجرای سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش، ترکیبی (کیفی-کمی) و از جهت گردآوری داده‌ها در گروه تحقیقات توصیفی-پیمایشی قرار می‌گیرد. جامعه آماری مدیران ارشد تعاونی‌های تولیدی استان کرمان انتخاب و با استفاده از پرسش‌نامه‌های محقق ساخته داده‌های مورد نیاز استخراج گردید. برای بررسی روایی و پایایی ابزار تحقیق از ضریب نسبی و شاخص روایی محتوا و ضریب آلفای کرونباخ بهره‌گیری شد که به ترتیب مقادیر ۰/۷۳، ۰/۹۳ و ۰/۸۴۶ حاصل و تأیید گردیدند. پس از تحلیل عاملی اکتشافی و تأیید داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها، مدل نهایی تهیه و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این پژوهش روابط بین متغیرها و ابعاد الگو را تأیید نموده و بیانگر آن است که دولت نتوانسته در ایفای نقش خطمشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها (نقش تنظیمی، هنجاری و شناختی) موفق عمل کند. در نهایت توصیه‌های کاربردی جهت بهبود ایفای نقش دولت ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: نقش خطمشی‌های کارآفرینی، اجرای خطمشی کارآفرینی، کارآفرینی سازمانی، تعاونی

شاپای الکترونیک: ۲۳۴۵-۲۵۵۲ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان



 20.1001.1.23452544.1403.12.48.4.1

 10.30507/jmsp.2024.424578.2656

مقدمه و بیان مسئله

تعاونی یک مؤسسه خودمختار و مبتنی بر اتحاد داوطلبانه برای برآورده کردن نیازهای عمومی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آرزوها از طریق یک مالکیت مشترک و تحت کنترل دموکراتیک شرکت است (سنجا، ۲۰۰۸). به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، نظام تعاون روشی بی‌بدیل برای ایجاد فرصت‌های کسب‌وکار است. در مبحث ایجاد اشتغال، موفقیت تعاونی‌ها به حدی قابل توجه بوده است که سازمان ملل در برنامه توسعه هزاره و به‌منظور کاهش تعداد فقرا در سال ۲۰۱۵، نقش قابل توجهی را برای تعاونی‌ها به‌عنوان یک ابزار اصلی در این مسیر در نظر گرفته است (نظریان و حسینی، ۱۳۹۴). با توجه به ظرفیت‌های مناسب توسعه بخش تعاون و لزوم بهره‌گیری از روش‌های مناسب برای توسعه از یک‌سو و کارایی و اثربخشی کارآفرینی از دیگر سو، تلفیق راهبرد توسعه کارآفرینی در بخش تعاونی، راهبرد کاملاً مناسبی برای توسعه بخش تعاون کشور به نظر می‌رسد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه علی‌رغم مشاهده موفقیت‌های تعاونی‌ها در نظام‌های متفاوت اقتصادی، در کشور ما با وجود تأکیدات بسیار زیاد برنامه‌های ادوار مختلف توسعه کشور و سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ بر توسعه جایگاه بخش تعاون در اقتصاد، هنوز نظام تعاون نتوانسته است به جایگاه مناسب خود در عرصه‌های مختلف دست یابد. بر اساس آمارهای مجمع جهانی اقتصاد در زمینه مشارکت نیروی کار در اقتصاد کشورها، ایران در سال ۲۰۱۸ رتبه ۱۴۳ را در میان ۱۴۹ کشور جهان داشته است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸) که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب ایران در این حوزه است و این در حالی است که بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش تعاون می‌تواند باعث بهبود این وضعیت و ایجاد شرایط پایدار اقتصادی شود. به‌هرحال، بدیهی است چنانچه بخش تعاون کشور بخواهد به اهداف تعیین شده در قانون اساسی و شرایط آرمانی دست یابد، لازم است به بهبود عملکرد تعاونی‌ها، توسعه کارآفرینی آن‌ها، رفع موانع موجود و غیره توجه نمایند (رضایی و حسینی، ۱۳۹۲). بحث توسعه کارآفرینی بخش جدایی‌ناپذیر مباحث توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته است (پوراتشی، ۱۳۸۷). توجه به کارآفرینی سازمانی، شرطی بسیار مهم در توسعه هر سازمان و به‌مراتب هر کشور در هزاره سوم است (رضایی و حسینی، ۱۳۹۲). از این‌رو در کشورهای مختلف توجه ویژه‌ای به کارآفرینی سازمانی و کارآفرینان شده و تقویت و ایجاد بستر مناسب برای توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها، از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها،

1. Sonja

2. World Economic Forum

به حساب می‌آید. در صورت تحقق این امر، گسترش نوآوری و خلاقیت، بهبود سطح اشتغال در جامعه و رفاه اجتماعی، افزایش کمی و کیفی تولید، افزایش مزیت رقابت اقتصادی در عرصه جهانی و توسعه کشور را موجب خواهد شد و از طرفی سبب رسیدن بخش تعاون به جایگاه واقعی خود در سطح جهانی می‌شود (محمدی، ۱۳۹۱). در مصادیق ضرورت پژوهش می‌توان گفت تأکید سیاست‌های کلان ادوار مختلف کشور و علی‌الخصوص سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ بر توسعه ۲۵ درصدی جایگاه بخش تعاون در اقتصاد کشور نشان از اهمیت تعاونی‌ها و لزوم بررسی خط‌مشی‌های آن دارد. باتوجه به اهمیت روزافزون کارآفرینی در توسعه کشورها، خط‌مشی کارآفرینی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های کلان در عرض چند دهه گذشته به‌سرعت در کشورهای مختلف در حال پیشرفت بوده است. توجه به کارآفرینی سازمانی و خط‌مشی‌های مرتبط با آن، علاوه بر پویایی و بالندگی سازمانی، موجبات توسعه کارآفرینی را نیز فراهم می‌نماید. با توجه به اهمیت کارآفرینی سازمانی به‌عنوان یکی از محورهای پژوهش در بخش تعاون کشور، تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش خط‌مشی‌های تعاون در کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان است که امید می‌رود این تحقیق بتواند در امر اشتغال‌زایی و جایگاه و نقش تعاونی‌ها در اقتصاد ملی تأثیرگذار باشد؛ بنابراین سؤال اساسی این پژوهش این است که نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان چیست و چه مدل مطلوبی را می‌توان ارائه نمود؟ همچنین این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات فرعی همچون موارد ذیل است: وضعیت نقش خط‌مشی‌های تعاون در تعاونی‌های تولیدی استان کرمان چگونه است؟ خط‌مشی‌های تعاون در تعاونی‌های تولیدی استان کرمان چه هستند؟ وضعیت اجرای این خط‌مشی‌ها چگونه است؟ رابطه بین نقش خط‌مشی‌های تعاون با کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان چگونه است؟ رابطه بین اجرای خط‌مشی‌های تعاون با کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. خط‌مشی‌های کارآفرینی

«لاندستروم و استیونسون»^۱ (۲۰۰۱) سیاست کارآفرینی را این‌گونه تعریف می‌کنند که این سیاست‌ها اقدام‌های انجام شده برای تحریک کارآفرینی، در سه مرحله قبل از آغاز

هدف، در هنگام راه‌اندازی و پس از راه‌اندازی فرایند کارآفرینی هستند که هدف اصلی آن‌ها تشویق مردم برای شروع کسب‌وکار است و سه حوزه انگیزش، کشف فرصت‌ها و آموزش مهارت‌ها را برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند.

در چند دهه گذشته سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف، تلاش کرده‌اند تا خط‌مشی‌های کارآفرینی مناسب را برای توسعه اقتصادی تدوین کنند. همواره خط‌مشی‌گذاران با این سؤال مواجه‌اند که چه شرایطی به فعالیت‌های کارآفرینانه منجر می‌شود. در مطالعه‌ای که به‌وسیله «آنکتاد»^۱ در ژنو و در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، سه حوزه مهم خط‌مشی‌های کارآفرینی مورد مطالعه قرار گرفت. این حوزه‌ها عبارتند از: افزایش دسترسی به منابع مورد نیاز مالی، تسهیل در ورود به شرکت‌ها و خروج از آن‌ها (تأسیس و انحلال) و برنامه‌های حمایتی دولت (آنکتاد، ۲۰۰۴).

نیلی و همکاران (۱۳۸۳) در سندی که بیانگر استراتژی‌های توسعه صنعتی کشور بود، سیاست‌هایی را به‌عنوان رهنمود به‌منظور کمک به توسعه صنعتی ارائه کرده‌اند. با عنایت به این سند، دولت باید از سیاست‌هایی همچون افزایش صادرات، کمک به رشد کارآفرینی در کشور، تسهیل در فرایند رشد شرکت‌های کوچک و متوسط و ایجاد خوشه‌های صنعتی به‌منظور توسعه صنعتی کشور بهره‌گیری نماید.

در جدول (۱) به‌طور خلاصه نتایج بررسی برخی از مدل‌های مختلف مرتبط با خط‌مشی‌های کارآفرینی بیان گردیده است:

جدول ۱: بررسی مدل‌های خط‌مشی‌های کارآفرینی

مدل	سال	ابعاد
لاندستروم و استیونسون	۲۰۰۱	در این مدل خط‌مشی‌های دولتی مناسب مرتبط با کارآفرینی عبارتند از: رشد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط، تأسیس یک شرکت جدید، خط‌مشی‌های کل‌گرا و تمرکز بر گروه‌های خاص
الگوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه	۲۰۰۴	در این الگو، سه حوزه خط‌مشی که برای فعالیت‌های کارآفرینی مهم‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند: سیاست‌های حمایتی دولت، دسترسی به منابع مورد نیاز مالی و تسهیل ورود به شرکت‌ها و خروج از آن‌ها (تأسیس و انحلال)
خط‌مشی‌های کارآفرینی براساس	۲۰۰۵	تأکید بر خط‌مشی‌های شش‌گانه توسعه کارآفرینی: بهبود محیط برای شرکت‌های نوپا، ترویج و گسترش کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، تسهیل در ورود، تأمین سرمایه اولیه، بقا و رشد

ابعاد	سال	مدل
شرکت‌ها، پشتیبانی از کسب‌وکار شرکت‌ها و استراتژی‌های حمایت از گروه هدف		مطالعه تطبیقی کشورها (۱۰ کشور)
خط‌مشی‌ها را به ۵ دسته تقسیم‌بندی می‌کنند: تقاضای بازار، تأمین سرمایه، عرضه مهارت‌ها، مشوق‌ها و فرهنگ جامعه	۲۰۰۶	مدل عوامل پنج‌گانه گابرو و هوفمن
خط‌مشی‌های اثرگذار بر چهارچوب قانونی، شرایط بازار، دسترسی به منابع مالی، دسترسی به تحقیق و توسعه و تکنولوژی، ظرفیت‌های کارآفرینی و فرهنگ	۲۰۰۷	مدل کارآفرینی یورواستات
تأکید بر توسعه کارآفرینی به‌وسیله بهبود شرایط عمومی و شرایط ویژه کارآفرینی	۲۰۰۷	مدل دیده‌بان جهانی (کارآفرینی)
توسعه کارآفرینی شامل برنامه‌های رفع نیازهای پایه‌ای، برنامه‌ها و سیاست‌های نوآوری و کارآفرینی و سیاست‌های مربوط به عوامل توسعه دهنده کارایی	۲۰۰۹	مدل اصلاح شده دیده‌بان جهانی کارآفرینی
برای توسعه کارآفرینی خط‌مشی‌های زیر را پیشنهاد دادند: توجه به سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور؛ پاداش به فعالیت‌های کارآفرینانه اثربخش؛ ممانعت از فعالیت‌های غیراثربخش؛ تسهیل راه‌اندازی و رشد کسب‌وکار؛ ایجاد انگیزه‌هایی برای حفظ و نگهداری افراد آینده‌دار	۲۰۱۰	مدل هنریکسون و استنکولا
ابعاد کلیدی این الگو شامل ۶ بخش تدوین استراتژی ملی کارآفرینی، افزایش آموزش و توسعه مهارت‌های کارآفرینی، تسهیل تبادل فناوری و نوآوری، بهینه‌سازی محیط نظارتی، بهبود دسترسی به منابع مالی و ترویج آگاهی و شبکه است.	۲۰۱۲	الگوی آنکتاد
خط‌مشی‌ها در ۴ دسته آموزش و مشاوره کارآفرینان (مالی)، حقوقی، مدیریتی، بازاریابی و توسعه محصول)، توسعه زیرساخت‌ها (پارک علم و فناوری و مرکز رشد)، آموزش در مراحل سه‌گانه قبل، حین و بعد خلق کار و حمایت مالی (پاداش-تسهیلات) تقسیم‌بندی شده‌اند.	۲۰۱۲	مدل ردفورد
شاخص‌های سهولت کسب‌وکار بانک جهانی: سهولت راه‌اندازی، اخذ مجوزها، دریافت اشتراکات، ثبت دارایی‌ها، اخذ وام، میزان	۲۰۱۶	شاخص‌های بانک جهانی

مدل	سال	ابعاد
		حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، تجارت بین‌الملل، اجرای قراردادهای، پرداخت مالیات، قوانین مربوط به ورشکستگی
مدل خطمشی‌های دولتی توسعه کارآفرینی در ایران داوری و رضایی	۱۳۸۵	توسعه کارآفرینی با بهره‌گیری از سه مرحله بسترسازی برای کارآفرینی (آموزش - فرهنگ‌سازی)، هدایت کارآفرینی در مرحله عمل (قانون‌گذاری، حمایت و پشتیبانی) و تثبیت کارآفرینی (تشویق به کارآفرینی)
الگوی خطمشی توسعه کارآفرینی در ایران دانایی فرد و همکاران	۱۳۸۶	شامل نقش‌های تنظیمی (برنامه‌ریزی ملی کارآفرینی، تأسیس مراکز حمایت‌های مالی، حمایت‌های مشاوره‌ای، تسهیلات و کمک‌های مالی و غیرمالی، اصلاحات اداری)، نقش هنجاری (اعطای جوایز و برگزاری نمایشگاه) و نقش شناختی (آموزش و بسترسازی فرهنگی و اطلاع‌رسانی)

۱-۲. نقش خطمشی‌ها در ارتقای کارآفرینی

بر اساس تحقیقی که در سازمان صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۳۸۵ انجام شده می‌توان نقش‌های اصلی دولت‌ها در جهت ارتقای کارآفرینی را به سه نقش تنظیمی، شناختی و هنجاری تقسیم کرد.

در خصوص نقش‌های تنظیمی، کشورها می‌توانند به‌وسیله کاهش یا تخفیفات مالیاتی، پرداخت وام و دیگر برنامه‌های تنظیمی، کارآفرینی را حمایت کنند و بدین طریق احتمال اینکه مردم، یک فرصت جذاب را شناسایی کنند و در نتیجه، تصمیم بگیرند کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند، افزایش می‌دهند.

در زمینه نقش‌های شناختی، برنامه‌هایی که بر اشاعه دانش مدیریت و مهارت‌های کارآفرینی متمرکزند برای تقویت نهادهای شناختی است و این امر می‌تواند توانایی کارآفرینان محلی را برای تأسیس و حفظ کسب‌وکارهای خصوصی خود بهبود دهد. کشورهای مختلف تلاش‌هایشان را برای بهبود درک افراد از مراحل مختلف راه‌اندازی یک کسب‌وکار شروع کرده‌اند. در این راستا طراحی سایت‌های کارآفرینی و انتشار کتابچه‌های راهنمای کارآفرینی را انجام داده‌اند. برنامه‌های آموزشی متعددی برای کارآفرینان ارائه می‌شود. برنامه‌های مختلف، خدمات مشاوره‌ای به کسب‌وکارهای

کوچک را ارائه می‌دهند؛ برنامه‌های خاص شرکت‌ها به کار با هم، برای درک محیط صنعتشان کمک می‌کند. در نهایت در برخی کشورها آموزش‌های لازم به شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌شود یا برنامه‌هایی نظیر صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی و ارتقای تولید شرکت‌ها در توسعه مهارت‌های کارآفرینانه لازم کمک می‌کند.

در زمینه نقش‌های هنجاری، برنامه‌های معطوف به بهبود دیدگاه جامعه نسبت به کارآفرینان می‌تواند محیط هنجاری یک کشور را مورد بهبود قرار دهد و بدین ترتیب انگیزه‌های افراد برای تبدیل شدن به کارآفرین را بهبود دهد. کارشناسان اقتصادی مدعی‌اند که نهادهای هنجاری دشوارترین بخش محیط کارآفرینی هستند که باید تغییر کنند و متذکر شده‌اند که می‌توان برای تغییر صحیح نحوه دیدگاه مردم نسبت به کارآفرینان چند نسل آن را تغییر داد (دانایی فرد، فروهی و صالحی، ۱۳۸۶).

۱-۳. کارآفرینی سازمانی

کارآفرینی سازمانی عبارت است از فرایندی که به وسیله آن افراد از فرصت‌های درون سازمان‌ها بدون توجه به منابعی که در اختیار دارند، استفاده می‌کنند. به بیانی دیگر، مفهومی است که نوآوری‌ها را به‌عنوان ترکیبات اصلی می‌پذیرد به عبارتی گسترش یا فرمول‌بندی جدید محصولات، مهندسی مجدد یا کاهش هزینه فرایند، جست‌وجوی بازارهای بکر و دست‌نخورده، کاربردهای جدید محصولات و خدمات جدید، سرمایه‌گذاری‌های جدید است (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینان سازمانی افرادی هستند که درون سازمان‌ها اعمال و رفتار کارآفرینانه داشته و در همه سطوح مختلف سازمانی یافت می‌شوند. آن‌ها می‌توانند باعث تحول در سازمان شوند. عنصر کلیدی کارآفرینی سازمانی، نوآوری است که می‌تواند حالات مختلفی داشته باشد، مانند نوآوری در فرایند و روش‌های سازمان و نوآوری در نحوه انجام امور در درون سازمان‌ها و نوآوری در محصولات یا خدمات.

بر اساس الگوی «آنتونیک و هیسریچ»^۱ کارآفرینی سازمانی زمانی اتفاق می‌افتد که ساختار کارآفرینانه سازمان، با یک محیط کارآفرینانه تلفیق شود (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به الگوی توسعه کارآفرینی سازمانی ایرلند^۲ و همکاران، استراتژی کارآفرینی سازمانی، آغازگر توسعه رفتارهای کارآفرینانه در شرکت‌ها است. این استراتژی موجب می‌شود سازمان جهت‌گیری کلی خود را در راستای نوآوری و کارآفرینی در پیش گیرد. بر

1. Antonic & Hisrich
2. Irland

مبنای این استراتژی، سازمان قادر خواهد بود محرک‌های استراتژیک را شناسایی کند. حال باید محیط درونی مناسبی در سازمان شکل گیرد که از رفتارهای کارآفرینانه حمایت کند. به عبارت دیگر وظیفه مدیران ارشد این خواهد بود که محیط کار را در جهت تسهیل توسعه کارآفرینی سازمانی ایجاد و هدایت کنند. در ایجاد چنین فضایی چهار بُعد اصلی ساختار، سیستم‌های کنترل، مدیریت منابع انسانی و فرهنگ مؤثر هستند (مهرنگار، ۱۳۸۸). بر اساس الگوی «آنتونیک و هیسریچ»^۱ و با توجه به بررسی‌هایی که به انجام رسانده‌اند شش بُعد را برای کارآفرینی سازمانی بیان نموده‌اند. آن‌ها معتقدند که کارآفرینی سازمانی بایستی به‌عنوان مفهومی چن بُعدی متمایز و با این حال مرتبط نگریسته شود. ابعاد کارآفرینی سازمانی از دیدگاه آنتونیک و هیسریچ عبارتند از: نوآوری در محصول و فرایند، رقابت تهاجمی، ریسک‌پذیری، خودتجدیدی، پیشگامی و ایجاد واحدهای مستقل و نیمه‌مستقل (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

«لامپکین و دس»^۲ به تبیین ماهیت گرایش به کارآفرینی پرداخته‌اند و چهارچوبی اقتضایی را برای بررسی رابطه میان گرایش کارآفرینانه و عملکرد سازمان مطرح نمودند. الگوی کارآفرینی سازمانی از دیدگاه آن‌ها شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱. گرایش کارآفرینانه؛ ۲. عوامل محیطی؛ ۳. عوامل سازمانی.

حسین‌پور و زارعی (۱۳۸۹) شاخص‌هایی را برای کارآفرینی سازمانی مد نظر قرار داده‌اند، که این شاخص‌ها عبارتند از:

- ❖ نوآوری: ارائه ایده‌های جدید و تبدیل آن‌ها به محصول یا خدمات جدید؛
- ❖ ساختار: غیرمتمرکز، غیررسمی بودن و گروهی بودن کارها؛
- ❖ فرهنگ سازمانی: حمایت از نوآوری، ریسک‌پذیری و ایده‌های جدید افراد در تمامی سطوح سازمان و ارزش قائل شدن و مورد تشویق قرار گرفتن کار گروهی؛
- ❖ استراتژی‌ها: وجود داشتن بیانیه مأموریت و آرمان مشترک، به‌صورت مدون، واضح، آینده‌نگر، منعطف، مشتری‌گرا و مشوق تغییر و نوآوری؛
- ❖ ریسک‌پذیری: تمایل به اقدامات مخاطره‌آمیز و به‌کارگیری منابع در این راه با نتایج نامطمئن؛
- ❖ تحقیق و توسعه: ایجاد ارتباط تنگاتنگ و مستمر توسط واحد تحقیق و توسعه با مشتریان سازمان، تحقیقات بازار کارآفرینان و بالا بردن مخارج واحد تحقیق و توسعه و اهمیت به آن نسبت به رقبا.

۴-۱. تعاونی‌های تولیدی

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در ایران، شرکت‌های تعاونی به‌عنوان یکی از سه بخش مهم نظام اقتصادی، به فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور می‌پردازند. در ایران، تعاون به معنای واقعی کلمه، از سابقه‌ای بس طولانی برخوردار است. تعاون و همکاری‌های مختلف اجتماعی در بسیاری از موارد عامل مهمی در شکل‌گیری تغییر و تحولات اجتماعی بوده است که در سراسر تاریخ پرفراز و نشیب ایران به چشم می‌خورد (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۰). بخش تعاون در برنامه‌های توسعه کشور سهم مهمی از رشد و توسعه اقتصادی را به عهده دارد. همچنین در برنامه‌های تحول اداری و در راستای نوسازی و کوچک‌سازی دولت، شرکت‌های تعاونی در کانون توجه برون‌سپاری فعالیت‌ها واقع شده‌اند. شناسایی فرصت‌های قانونی و سایر فعالیت‌های قابل واگذاری به بخش تعاون می‌تواند به رونق بخش تعاون و توسعه اقتصادی کشور کمک نماید (نکویی، ۱۳۹۵).

۲. چهارچوب نظری

متغیر اصلی این تحقیق کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان (متغیر ملاک) است، متغیری که تلاش می‌شود تغییرات آن توسط متغیر نقش خط‌مشی‌های تعاون توضیح و تفسیر شود. پس از بررسی ادبیات پژوهش و انجام گرفتن مصاحبه با تعدادی از خبرگان مرتبط با موضوع، جهت شناسایی ابعاد، شاخص‌ها و مدل مورد نظر، متغیر مستقل اجرای خط‌مشی‌های تعاون به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌ها اکتشاف گردید.

کارآفرینی در طول دوره‌های مختلف مفاهیم متعددی یافته است و در هر دوره نظریه‌پردازان بر یکی از جنبه‌های آن تأکید کرده‌اند. این امر ناشی از گستردگی و پیچیدگی مفهوم کارآفرینی و طیف وسیعی از ویژگی‌هایی است که توسط نظریه‌پردازان برای افراد کارآفرین در نظر گرفته می‌شود.

صمدآقایی (۱۳۷۸)، در تحقیقی کارآفرینی سازمانی را فرایندی می‌داند که در آن، محصولات یا فرایندهای نوآوری شده، از راه ایجاد و تقویت فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان از قبل تأسیس شده پدید می‌آید یا به تعریفی دیگر، مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که از منابع و حمایت‌های سازمانی با هدف دستیابی به نتایج نوآورانه بهره‌مند است. در بسیاری از مدل‌های بررسی شده (لامپکین و دس، ۱۹۹۶؛ آنتونیک و هیسریچ، ۲۰۰۳؛ فاکس، ۲۰۰۸؛ حسین‌پور و زارعی، ۱۳۸۹) مؤلفه‌های نوآوری، رقابت‌طلبی، ایجاد

کسب‌وکارهای جدید، ریسک‌پذیری و فرهنگ کارآفرینانه برای سنجش کارآفرینی سازمان‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

در چند دهه گذشته سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند تا خط‌مشی‌های کارآفرینی را برای توسعه اقتصادی تدوین کنند. برخی از مهم‌ترین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های دولت برای توسعه کارآفرینی عبارتند از: تدوین مقررات مرتبط، سیاست‌های مالیاتی، سهولت در مراحل اداری، ارتقای کارآفرینی و آموزش، اطلاع‌رسانی و مشاوره به کارآفرینان، حمایت‌های مالی و اعطای وام و ایجاد زیرساخت‌های لازم (لاندستروم و استیونسون^۱، ۲۰۰۱).

در این پژوهش پس از آشنایی با مدل‌های مختلف مرتبط با خط‌مشی‌های کارآفرینی در داخل و خارج از کشور به بررسی خط‌مشی‌های تدوین شده در ایران براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، قوانین مرتبط با بخش تعاون اقتصاد ایران، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سند توسعه بخش تعاون و غیره پرداخته شد و در نهایت خط‌مشی‌هایی به‌عنوان شاخص انتخاب گردید. تجربه‌ای که کشورهای موفق در حال توسعه و کشورهای صنعتی کسب کرده‌اند نقش مهم دولت‌ها را در توسعه نشان داده و در این کشورها، سیاست‌های دولت به توسعه فعالیت‌های کارآفرینی کمک قابل توجهی کرده است (نولان^۲، ۲۰۰۴).

داوری و رضایی (۱۳۸۵)، در تحقیقی پنج‌نقش آموزشی، قانون‌گذاری، حمایت و پشتیبانی، فرهنگ‌سازی و تشویق به کارآفرینی را برای دولت در جهت توسعه کارآفرینی مورد بررسی قرار داده است.

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی نقش‌های اصلی دولت‌ها در ارتقای کارآفرینی را به سه نقش تنظیمی، شناختی و هنجاری تقسیم کرد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی از نوع ترکیبی است که علاوه بر توصیف وضع موجود، سعی بر ترسیم وضع مطلوب دارد. شاخص‌های شناسایی شده از طریق مدل دلفی در اختیار خبرگان قرار گرفت تا درجه موافقت خود را با شاخص‌هایی که از مدل‌های گوناگون گردآوری شده بود، مشخص و در صورت لزوم، تلفیق، تفکیک، حذف و یا مطلبی را به آن اضافه نمایند. بدین منظور پرسش‌نامه‌ها طی

1. Lundstrom & Stevenson
2. Nolan

سه مرحله برای اعضای پانل ارسال و پس از توافق اعضا بر مدل، در نهایت پرسش‌نامه برای تأیید روایی محتوا ارسال و پاسخ‌ها جمع‌آوری گردید.

اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به‌صورت ترکیبی از روش هدفمند و روش گلوله‌برفی برگزیده شدند. بر این اساس، ابتدا ۵ نفر از افراد نامزد شدند که پژوهشگر برای مشارکت در این پژوهش مناسب می‌دانست. سپس از طریق این افراد سایر اعضای پانل معرفی شدند. پس از تعیین اعضای پانل، سه دور روش دلفی انجام شد. پرسش‌نامه‌های هر دور به‌صورت حضوری توزیع و گردآوری شدند. در دور اول، فهرستی از شاخص‌ها و مدل مفهومی مورد نظر که از پژوهش‌های موفق استخراج شده بودند، برای تعیین میزان اهمیت آن‌ها در اختیار اعضا قرار گرفت. علاوه بر این، از آن‌ها خواسته شد که ایده‌های خود را درباره عواملی ارائه کنند که در این فهرست نیستند. در دور دوم، مجموعه عواملی که در دور اول پیشنهاد شده بودند به همراه تغییرات پیشنهادی از دور قبل که با ادبیات موضوع انطباق داشتند، برای تعیین میزان اهمیت در اختیار خبرگان قرار گرفته و همچنین مجدداً ایده‌های آنان جمع‌آوری گردید. در دور سوم، نظر اعضا درباره شاخص‌هایی که اهمیت آن‌ها در دوره‌های اول و دوم زیاد تشخیص داده شده بودند و همچنین میزان مناسب بودن مدل، مجدداً دریافت شد. انجام روش دلفی پس از انجام دور سوم و دستیابی به اجماع مطلوب پایان یافت.

جامعه آماری در دو بخش خبرگان (برای بهره‌گیری از روش دلفی) و مدیران ارشد (شامل هیئت مدیره و مدیران عامل) تعاونی‌های تولیدی استان کرمان (۳۰۳ نفر) است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از نظر تخصصی ۱۵ خبره از بین متخصصین دانشگاه و کارشناسان ارشد اداره تعاون مرتبط با حوزه کارآفرینی استفاده شد. در این مرحله، برای انتخاب نمونه‌های تحقیق و تشکیل پانل از روش‌های احتمالی و غیر احتمالی به‌صورت ترکیبی استفاده شد؛ بنابراین اعضای پانل دلفی از روش هدفدار و روش گلوله‌برفی برگزیده شدند. در این مرحله از روش نمونه‌گیری هدفمند تا مرحله اشباع تئوریک استفاده شد. برای بخش دوم با توجه به اینکه موضوع پرسش‌نامه‌ها پیرامون خط‌مشی‌های کلان مرتبط با سازمان‌ها و نقش دولت بر کارآفرینی سازمانی است، از مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های تعاونی تولیدی با توجه به اشراف آن‌ها بر موضوع، به‌عنوان جامعه آماری بهره گرفته شد. به‌منظور محاسبه حجم نمونه مورد نیاز از جدول مورگان بهره گرفته شد و با توجه به این جدول برای جامعه آماری با تعداد ۳۰۳ عضو حداقل تعداد حجم نمونه ۱۰۱ نفر تعیین و برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق استفاده از

پرسش‌نامه‌هایی محقق ساخته است. میزان CVI و CVR سؤالات این پرسش‌نامه باتوجه به فرمول‌های مربوطه، به شرح جدول (۲) است:

جدول ۲: میزان ضریب نسبی و شاخص روایی محتوای سؤالات پرسش‌نامه

CVI	CVR	سؤال	CVI	CVR	سؤال	CVI	CVR	سؤال
0.8	0.6	41	0.87	0.6	21	0.93	0.73	1
0.87	0.73	42	0.8	0.73	22	0.87	0.86	2
0.93	1.00	43	0.8	0.86	23	1.00	1.00	3
1.00	0.73	44	0.93	0.6	24	0.87	0.73	4
0.8	0.86	45	0.93	0.86	25	1.00	0.73	5
0.8	1.00	46	0.93	1.00	26	0.8	0.6	6
0.87	0.73	47	0.87	0.73	27	0.8	0.6	7
1.00	0.86	48	1.00	1.00	28	0.87	0.73	8
0.93	1.00	49	0.93	0.6	29	0.93	1.00	9
0.87	0.73	50	0.93	0.73	30	1.00	0.73	10
1.00	1.00	51	0.93	0.86	31	0.8	0.86	11
0.93	0.73	52	0.87	0.6	32	0.8	1.00	12
0.87	1.00	53	1.00	0.86	33	0.87	0.73	13
1.00	0.6	54	0.93	1.00	34	0.93	0.73	14
0.93	0.73	55	0.87	0.73	35	0.93	0.6	15
CVI	CVR	سؤال	CVI	CVR	سؤال	CVI	CVR	سؤال
1.00	1.00	56	1.00	1.00	36	1.00	0.6	16
0.93	0.86	57	1.00	1.00	37	0.8	0.73	17
0.93	1.00	58	0.93	0.86	38	0.93	1.00	18
			0.87	0.6	39	1.00	0.86	19
			1.00	1.00	40	0.93	1.00	20

همان‌گونه که از جدول (۲) مشاهده می‌شود، میزان ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) سؤالات پرسش‌نامه در حد قابل قبولی بوده است.

جدول ۳: بررسی پایایی پرسش‌نامه

متغیر	ابعاد	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون	نقش تنظیمی	8	0.749
	نقش شناختی	4	0.826
	نقش هنجاری	4	0.902
اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون	حوزه فرصت	6	0.725
	حوزه آموزش و مهارت	4	0.706

متغیر	ابعاد	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی	حوزه انگیزش	12	0.825
	نوآوری در محصول و فرایند	5	0.911
	رقابت‌پذیری	3	0.877
	ریسک‌پذیری	4	0.751
	ایجاد بازار و کسب‌وکار جدید	3	0.801
	فرهنگ کارآفرین	5	0.779
کل پرسش‌نامه		58	0.846

با عنایت به داده‌های جدول (۳)، میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه برای تمامی متغیرها بالاتر از $0/7$ است، بنابراین می‌توان گفت که پرسش‌نامه از پایایی مطلوبی برخوردار است؛ همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به‌طور خلاصه ابتدا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های خبرگان ارائه می‌شود. سپس شاخص‌های توصیفی متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش انجام شد. پس از آن تحلیل عاملی تأییدی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه ضمن بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها وضعیت متغیرها بررسی شد. در مرحله بعدی، نتایج تحلیل مسیر بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت اعتباریابی مدل بر اساس تعیین شاخص‌های برازش مدل انجام شد.

همان‌گونه که اشاره شد، ابتدا مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر متغیرهای تحقیق از عمق ادبیات تحقیق، مبانی نظری و مصاحبه‌های اکتشافی پیرامون موضوع استخراج شده و سپس به کمک تکنیک دلفی و با استفاده از دیدگاه‌های خبرگان و نخبگان و امتیازدهی، شاخص‌های مورد اجماع خبرگان شناسایی گردید. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، پرسش‌نامه‌های تهیه شده به‌صورت حضوری در اختیار افراد منتخب بر اساس پانل خبرگان قرار گرفته و پس از انجام مصاحبه ساختار یافته، نظرات آن‌ها بررسی گردید. روش دلفی در سه دور انجام شد. در دور سوم بر اساس میانگین نظر صاحب‌نظران،

شاخص‌های با میانگین کمتر از متوسط (کوچک‌تر مساوی ۳) حذف گردیده و شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که مناسب تشخیص داده شده بودند به همراه میانگین نظر اعضا در دور دوم و نظرات پیشین همان عضو در اختیار کلیه صاحب‌نظران قرار گرفت و پرسش‌نامه سوم به‌صورت حضوری و در قالب مصاحبه ساختار یافته ارائه شد. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و تحلیل داده‌ها، نتایج نشان دادند که تمامی میانگین پاسخ‌ها بالاتر از حد متوسط (میانگین ۳) بوده و هیچ پیشنهادی از سوی صاحب‌نظران مبنی بر تغییر در مدل حاصل نگردید. با توجه به نتایج حاصله، متخصصین راجع به مدل، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به اتفاق نظر رسیدند، بنابراین دوره‌های نظرسنجی دلفی پس از سه مرحله خاتمه پیدا کرد. پس از طی شدن مراحل کیفی و با توجه به نتایج حاصل شده از دوره‌های دلفی، پرسش‌نامه نهایی جهت نظرسنجی از مدیران تعاونی‌های تولیدی تهیه و در بین نمونه‌های آماری توزیع شد. لازم به ذکر است پس از انجام مصاحبه‌های ساختاریافته و طی مراحل روش دلفی، با توجه به نظر خبرگان متغیر اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی به‌منظور کسب نتایج بهتر به‌عنوان متغیر مستقل دوم به مدل اضافه گردید.

پس از طی مراحل کیفی، ۵۸ آیتم (گویه‌های پرسش‌نامه) به‌عنوان گویه‌های احتمالی جمع‌آوری شد، با توجه به ترکیبی بودن روش تحقیق و به‌منظور اطمینان از صحت پرسش‌نامه از روش‌های کمی بهره‌گیری می‌نماییم. در این راستا برای تعیین مؤلفه‌های اصلی، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۵۸ گویه بر اساس مقیاس لیکرت ۱ تا ۵ درجه تنظیم و در بین نمونه‌ها توزیع شد و داده‌های جمع‌آوری شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به بررسی این موضوع پرداختیم که آیا سازه مورد نظر توانایی اندازه‌گیری هدف را دارد یا خیر؟

نتایج نشان داد داده‌های آزمون تناسب کایزر-مایر و آزمون بارتلت در تمامی ابعاد متغیرهای نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها، اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی نسبتاً خوب است و در نتیجه باید با احتیاط بیشتری داده‌های مورد نظر استخراج و مورد تحلیل عاملی تأییدی قرار گیرند.

جدول ۴: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر نقش خط‌مشی‌های تعاون، اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی

متغیر	ابعاد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشی‌دگی
نقش خط‌مشی‌های تعاون	نقش تنظیمی	170	1.793	0.567	0.322	0.324	-0.397
	نقش شناختی	170	2.082	0.513	0.263	-0.226	-0.316
	نقش هنجاری	170	2.363	0.510	0.260	-0.107	-0.343
اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی	حوزه فرصت	170	2.258	0.644	0.415	0.077	-1.223
	حوزه انگیزش	170	2.471	0.666	0.444	-0.316	-0.828
	حوزه آموزش و مهارت	170	2.478	0.498	0.248	0.385	1.108
کارآفرینی سازمانی	نوآوری در محصول و فرایند	170	3.000	0.505	0.255	0.366	-0.461
	رقابت‌پذیری	170	2.794	0.651	0.423	-1.135	1.375
	ریسک‌پذیری	170	2.497	0.819	0.670	0.378	-0.153
	ایجاد بازار و کسب‌وکار جدید	170	2.797	0.737	0.543	0.100	-1.034
	فرهنگ کارآفرین	170	2.888	0.492	0.242	-0.104	-0.383

جدول (۴) نشان‌دهنده آن است که میانگین تمامی متغیرهای نقش خط‌مشی‌های تعاون کمتر از حد متوسط شاخص بوده است و می‌توان گفت سطح این متغیرها در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. با مقایسه مقادیر متغیرها می‌توان دریافت که از میان سه متغیر اصلی بیشترین میانگین مربوط به متغیر نقش هنجاری (۲/۳۶۳) و کمترین میانگین مربوط به متغیر نقش تنظیمی (۱/۷۹۳) است. میانگین تمامی متغیرهای اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها کمتر از حد متوسط شاخص بوده است و می‌توان گفت سطح این متغیرها در نمونه، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. با مقایسه مقادیر مؤلفه‌ها می‌توان دریافت که از میان مؤلفه‌ها بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه حوزه آموزش و مهارت (۲/۴۷۸) و کمترین میانگین مربوط به متغیر حوزه فرصت (۲/۲۵۸) است. نتایج نشان‌دهنده آن است که غیر از مؤلفه نوآوری در محصول و فرایند، میانگین تمامی متغیرهای کارآفرینی سازمانی کمتر از حد متوسط شاخص بوده است و می‌توان گفت سطح این متغیرها در نمونه، از وضعیت مطلوبی برخوردار

نیست. با مقایسه مقادیر متغیرها می‌توان دریافت که از میان مؤلفه‌ها بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه نوآوری در محصول و فرایند (۳) و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه ریسک‌پذیری (۲/۴۹۷) است.

تحلیل عاملی تأییدی متغیر نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون، متغیر اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون و متغیر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی انجام شد. مقدار سطح معناداری (P) بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمد. بنابراین می‌توان گفت که معناداری مدل تأیید می‌شود. ریشه مربعات خطای برآورد (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ بوده است؛ بنابراین در حد قابل قبول و مقدار X^2/DF کمتر از ۳ و در حد قابل پذیرش است. همچنین شاخص برازش تطبیقی (CFI)، بیشتر از ۰/۹ و در حد قابل قبول است. بنابراین می‌توان گفت که تحلیل عاملی همه متغیرها مناسب است.

جدول ۵: بررسی وضعیت موجود متغیرها بر اساس آزمون t تک نمونه‌ای

وضعیت	نتیجه آزمون	مقدار ثابت مورد آزمون ۳					متغیرها
		مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره t	انحراف از معیار	میانگین	
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-29.71	0.40	2.08	نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-27.75	0.57	1.79	نقش تنظیمی
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-23.33	0.51	2.08	نقش شناختی
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-16.27	0.51	2.36	بعد هنجاری
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-12.10	0.51	2.52	اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-15.01	0.64	2.26	حوزه فرصت
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-10.34	0.67	2.47	حوزه انگیزش
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-13.64	0.50	2.48	حوزه آموزش و مهارت

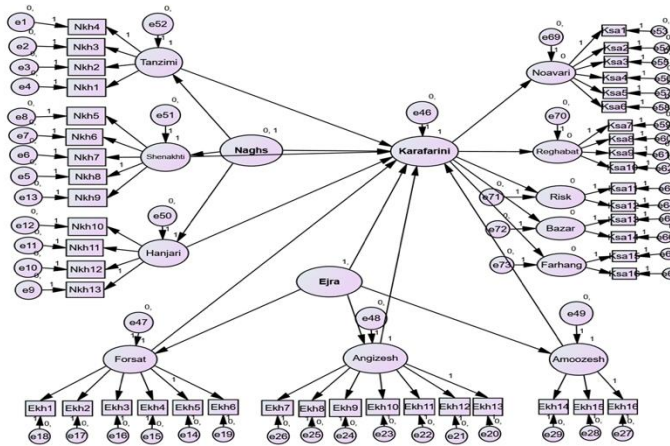
وضعیت	نتیجه آزمون	مقدار ثابت مورد آزمون ۳					متغیرها
		مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره t	انحراف از معیار	میانگین	
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-4.763	0.41	2.85	کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی
متوسط	تأیید فرضیه صفر	1.000	169	0.000	0.51	3.00	نوآوری در محصول و فرایند
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-4.126	0.65	2.79	رقابت‌پذیری
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-8.011	0.82	2.50	ریسک‌پذیری
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.000	169	-3.591	0.74	2.80	ایجاد بازار و کسب‌وکار جدید
کمتر از حد متوسط	رد فرضیه صفر	0.003	169	-2.963	0.49	2.89	فرهنگ کارآفرین

همان‌طور که از جدول (۵) ملاحظه می‌گردد متغیر «نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون» دارای میانگین ۲/۰۸ است؛ با توجه به مقدار آماره t برابر با ۲۹/۷۱۵- و مقدار احتمال که کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر آزمون t رد شده و مقدار میانگین متغیر اختلاف معناداری با مقدار متوسط شاخص دارد. همچنین از نظر حاضرین در پژوهش تحقیق، این متغیر دارای وضعیت (میانگین) کمتر از حد متوسط است.

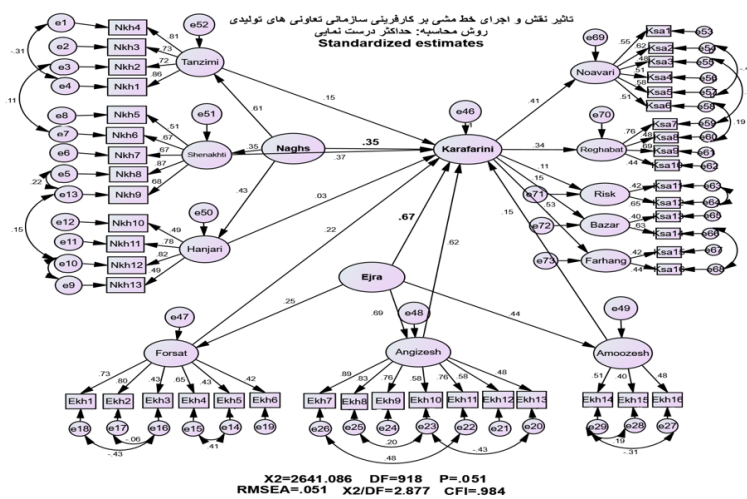
متغیر «اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون» دارای میانگین ۲/۵۲ است، با توجه به مقدار آماره t برابر با ۱۲/۱۰۵- و مقدار احتمال که کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر رد شده و مقدار میانگین متغیر اختلاف معناداری با مقدار متوسط شاخص دارد. همچنین از نظر حاضرین در پژوهش، این متغیر دارای وضعیت (میانگین) در حد کمتر از متوسط است.

متغیر «کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی» دارای میانگین ۲/۸۵ است، با توجه به مقدار آماره t برابر با ۴/۷۶۳- و مقدار احتمال که کمتر از ۰/۰۵ است؛ فرضیه صفر رد شده و مقدار میانگین متغیر اختلاف معناداری با مقدار متوسط شاخص دارد. همچنین از نظر حاضرین در پژوهش، این متغیر دارای وضعیت (میانگین) در حد کمتر از متوسط

است. شکل (۱) و (۲)، الگوی اصلی پژوهش و خروجی‌های Amos در حالت ضرایب عاملی استاندارد را نشان می‌دهند.



شکل ۱: الگوی اصلی پژوهش



شکل ۲: الگوی اصلی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

با توجه به مدل فوق اثرات متقابل متغیرها بر اساس جدول (۶) است.

جدول ۶: ارتباط بین متغیرهای تحقیق بر اساس مدل

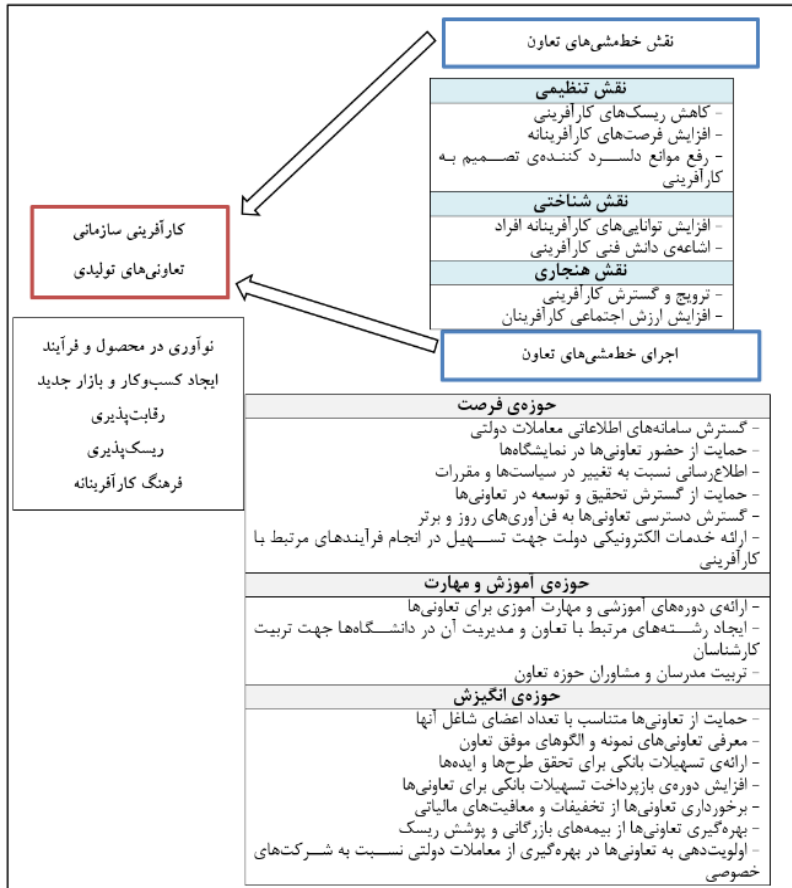
نتیجه	سطح معناداری	خطای استاندارد	ضریب استاندارد مسیر	متغیرها
ارتباط معنادار	0.000	0.025	0.353	نقش خط‌مشی‌ها ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.046	0.349	0.191	نقش تنظیمی ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.000	0.046	0.374	نقش شناختی ---> کارآفرینی سازمانی
عدم ارتباط معنادار	0.217	0.149	0.034	نقش هنجاری ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.002	0.380	0.670	اجرای خط‌مشی‌ها ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.000	0.189	0.221	حوزه فرصت ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.000	0.159	0.524	نقش انگیزش ---> کارآفرینی سازمانی
ارتباط معنادار	0.000	0.329	0.251	حوزه آموزش و مهارت ---> کارآفرینی سازمانی

با توجه به نتایج جدول (۶) می‌توان گفت نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۳۵، نقش تنظیمی خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۱۹، نقش شناختی به اندازه ۰/۳۷ و نقش هنجاری به اندازه ۰/۰۳ بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی تأثیر مستقیم دارد؛ اما برای متغیر نقش هنجاری این میزان، منجر به تأثیر معناداری نشده است که به علت وجود متغیرهای دیگر، بر میزان تأثیرگذاری این متغیر اثر گذاشته است. اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۶۷، حوزه فرصت اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۲۲، حوزه انگیزش اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۵۲ و حوزه آموزش و مهارت اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۲۵ بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی تأثیر معناداری دارد. شاخص‌های برازش الگوی تحقیق برای متغیرها در جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول ۷: شاخص‌های برازش الگوی تحقیق برای متغیرها

مطلوبیت	مقدار یافته پژوهش	مقدار قابل قبول	شاخص‌های برازش
تأیید مدل	2671.086	-	کای دو (χ^2) مجذور کای
تأیید مدل	0.051	$P > 0.05$	P-Value
تأیید مدل	918	$df \geq 0$	Df (درجه آزادی)
تأیید مدل	2.877	$\chi^2 / df < 3$	χ^2 / df
تأیید مدل	0.056	$RMSEA < 0.08$	RMSEA
تأیید مدل	0.985	$NFI > 0.9$	NFI
عدم تأیید مدل	0.768	$AGFI > 0.9$	AGFI
عدم تأیید مدل	0.692	$GFI > 0.9$	GFI
تأیید مدل	0.984	$CFI > 0.9$	CFI
تأیید مدل	0.851	0-1	IFI
تأیید مدل	0.942	$TLI > 0.9$	TLI
تأیید مدل	0.084	نزدیک به صفر	SRMR

همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌گردد مقدار آماره کای دو در مدل ۲۶۷۱/۰۸۶ و درجه آزادی مدل نیز برابر با ۹۱۸ است که حاصل نسبت آن‌ها برابر با ۲/۸۷۷ است که در حدود مقدار قابل قبول قرار دارد از طرفی مقدار NFI برابر با ۰/۹۸۵ است که در حد قابل قبول بوده، مقدار AGFI برابر با ۰/۷۶۸ که در حد قابل قبول نبوده، مقدار CFI برابر با ۰/۶۹۲ که در حد قابل قبول بوده، مقدار IFI برابر با ۰/۸۵۱ که در حد قابل قبول نبوده، مقدار TLI برابر با ۰/۸۴۲ که در حد قابل قبول بوده و شاخص SRMR نیز ۰/۰۸۴ است که قابل قبول است که با توجه به این شاخص‌ها، در مجموع مدل تأیید شده و مورد قبول است. در شکل (۳) مدل مفهومی نهایی پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۳: مدل نهایی تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مدل پیشنهادی تحقیق جهت بررسی نقش خطمشی‌های کارآفرینی تعاون در کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان، با رویکرد روش تحقیق ترکیبی کیفی و کمی حاصل شده و سعی شده است با بهره‌گیری از مدل‌های موجود، کمترین نارسایی و محدودیت را داشته باشد. در این مدل علاوه بر متغیرهای نقش خطمشی و کارآفرینی سازمانی، متغیر اجرای خطمشی‌های تدوین شده از مصاحبه با خبرگان در جهت بهبود مدل استخراج گردید.

سه نقش تنظیمی، شناختی و هنجاری برای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها در نظر گرفته شد که مورد تأیید خبرگان نیز قرار گرفت. نتایج نشان داد مؤلفه‌های نقش تنظیمی، شناختی و هنجاری دارای وضعیت میانگین کمتر از حد متوسط و دارای ترتیب نقش هنجاری، نقش شناختی و نقش تنظیمی بوده است. بنابراین دولت در ایفای نقش تنظیمی نسبت به سایر نقوش، ضعیف‌تر عمل کرده است. همچنین بنا بر اطلاعات حاصل شده از پرسش‌نامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت نقش خط‌مشی‌های تعاون بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان در وضعیت مطلوبی نبوده و میانگین آن کمتر از حد متوسط است.

سه حوزه فرصت، انگیزش و آموزش و مهارت برای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاونی‌ها در نظر گرفته شد که مورد تأیید خبرگان نیز قرار گرفت. سپس با مطالعه خط‌مشی‌های مرتبط با بخش تعاون که شامل اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون بخش تعاون اقتصاد، آیین‌نامه اجرایی قانون بخش تعاون، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در خصوص بخش تعاونی (سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶)، طرح ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب‌وکار و سند توسعه بخش تعاون بودند، در نهایت خط‌مشی‌هایی انتخاب گردیدند که حوزه فرصت شامل خط‌مشی‌های گسترش سامانه‌های اطلاعاتی معاملاتی دولتی، حمایت از حضور تعاونی‌ها در نمایشگاه‌ها، اطلاع‌رسانی نسبت به تغییر در سیاست‌ها و مقررات، حمایت از گسترش تحقیق و توسعه در تعاونی‌ها، گسترش دسترسی تعاونی‌ها به فناوری‌های روز و برتر و ارائه خدمات الکترونیکی دولت جهت تسهیل در انجام فرایندهای مرتبط با کارآفرینی، حوزه آموزش و مهارت شامل خط‌مشی‌های ارائه دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی برای تعاونی‌ها، ایجاد رشته‌های مرتبط با تعاون و مدیریت تعاون در دانشگاه‌ها جهت تربیت کارشناسان مرتبط و تربیت مدرسان و مشاوران حوزه تعاون، حوزه انگیزش شامل خط‌مشی‌های حمایت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضای شاغل آن‌ها، معرفی تعاونی‌های نمونه و الگوهای موفق تعاون، ارائه تسهیلات بانکی برای تحقق طرح‌ها و ایده‌ها، افزایش دوره بازپرداخت تسهیلات بانکی برای تعاونی‌ها، برخورداری تعاونی‌ها از تخفیفات و معافیت‌های مالیاتی و بهره‌گیری تعاونی‌ها از بیمه‌های بازرگانی و پوشش ریسک هستند. بنا بر اطلاعات حاصل شده از پرسش‌نامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که در حیطه اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با کارآفرینی برای تعاونی‌های تولیدی استان کرمان، دولت موفق عمل نکرده، اجرای این خط‌مشی‌ها در وضعیت مطلوبی نبوده و میانگین آن کمتر از حد متوسط است. همچنین مؤلفه‌های حوزه فرصت، انگیزش و آموزش دارای وضعیت

میانگین کمتر از حد متوسط و دارای ترتیب حوزه آموزش و مهارت، انگیزش و فرصت بوده است.

در خصوص شاخص‌های سنجش کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان مدل‌های نظری مختلفی در ارتباط با کارآفرینی سازمانی بررسی شدند و همچنین با در نظر گرفتن پرسش‌نامه‌های استاندارد کارآفرینی سازمانی آنتونیک و هیسریچ، فاکس و مارگاریت هیل در نهایت ابعاد نوآوری در محصول و فرایند، ایجاد کسب‌وکار و بازار جدید، رقابت‌پذیری، ریسک‌پذیری و فرهنگ کارآفرینانه برای سنجش کارآفرینی سازمانی برگزیده شدند که مورد تأیید خبرگان نیز قرار گرفتند.

از نظر حاضرین در پژوهش، متغیر کارآفرینی سازمانی دارای وضعیت میانگین کمتر از حد متوسط بوده است. همچنین مؤلفه‌های این متغیر دارای وضعیت میانگین کمتر از حد متوسط و دارای ترتیب نوآوری در محصول و فرایند، فرهنگ کارآفرینانه، ایجاد بازار و کسب‌وکار جدید، رقابت‌پذیری و ریسک‌پذیری بوده است. بنا بر اطلاعات حاصل شده از پرسش‌نامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان، در وضعیت مطلوبی نبوده و میانگین آن کمتر از حد متوسط است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، متغیر نقش خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۳۵ بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی و متغیر اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تعاون به اندازه ۰/۶۷ بر کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی تأثیر معناداری دارد.

نتایج پژوهش فولادی و زنگنه (۱۳۹۵) نشان دادند که در سنگاپور و تایوان، دولت‌ها، نقش مهمی در ترویج نوآوری از طریق طرح‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر برای حمایت از شرکت‌های با پتانسیل رشد بالا ایفا می‌کنند؛ اما بررسی عملکرد صندوق‌های مالی توسعه تکنولوژی ایران به‌خوبی نشان داد که تسهیلات این صندوق‌ها با مفهوم سرمایه‌گذاری خطرپذیر، همخوانی ندارند و به همین دلیل، تأمین مالی شرکت‌های نوپا پیشرفته کشور با مشکلات جدی همراه است.

جمشیدی و همکارانش (۱۳۹۴)، طی تحقیقی بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی شهرستان مینودشت را انجام دادند که نتایج تحقیق نشان داد، متوسط نمره کل کارآفرینی جامعه مورد مطالعه معادل ۲/۵۸۵ به دست آمد که بیشتر افراد معادل ۶۲/۸ درصد در طبقه خیلی ضعیف و ضعیف قرار داشتند.

عطاردیان (۱۳۹۲)، تحقیقی را با عنوان: بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی خط‌مشی‌گذاری دولتی در بخش کارآفرینی کشور انجام داد که در آن اعتقاد خود را چنین

بیان داشت که امروزه کارآفرینی برای رشد و ایجاد فضای سالم اقتصادی در جامعه لازم است و نقش آن در پایداری و ثبات اقتصادی تأیید شده است.

«بوسما»^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی نقش دولت بر کارآفرینی در کشورهای اروپایی پرداخته‌اند. برای این منظور از الگوی رشد تعمیم یافته و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای به بررسی و آزمون فرضیه‌ها پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که نهادها بر ماهیت و گسترش کارآفرینی تأثیر بسزایی دارند. همچنین در خصوص نقش دولت در توسعه کارآفرینی، سه نقش هنجاری، شناختی و تنظیمی برای دولت در نظر گرفته شده است.

تورنر^۲ و همکارانش (۲۰۱۶)، در پژوهشی، نقش دولت تایلند در توسعه اقتصادی از طریق ارتقای شرکت‌های کوچک و متوسط (SME ها) را بررسی کرده‌اند. این بررسی، تعامل بین دولت و بخش خصوصی، با چالش‌های پیش‌روی شرکت‌های کوچک و متوسط و اثربخشی سیاست ارتقای SME ها از نظر پیامدهای سیاست آینده را در نظر گرفته است. دولت، نقش مهمی در حمایت از توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و سالم ایفا کرده است. خط‌مشی‌های متعهدانه برای ارتقای SME ها از سوی دولت و همکاری نزدیک‌تر بین دولت و بخش خصوصی برای توسعه بیشتر شرکت‌های کوچک و متوسط مورد نیاز است. ادغام سازمان‌های دولتی برای ارتقای SME ها باید به‌منظور داشتن یک رویکرد کل‌نگر به دولت، افزایش یابد. تمرکز بیشتر بر کیفیت شرکت‌های کوچک و متوسط برای توسعه پایدار ضروری است.

پیشنهادها

پیشنهادهای کاربردی برای بهبود نقش خط‌مشی‌های تعاون در کارآفرینی سازمانی تعاونی‌های تولیدی استان کرمان به‌صورت زیر بیان شده است:

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که خط‌مشی‌های مرتبط با کارآفرینی موجود، تناسب خوبی با مدل‌های پیشنهادی ارائه شده در ایران و خارج از ایران دارند ولی دولت در اجرای این خط‌مشی‌ها چندان موفق عمل نکرده است؛ بنابراین در صورت هدف‌گذاری دولت برای توسعه کارآفرینی تعاونی‌ها و تأثیرگذاری بیشتر آن‌ها در اقتصاد ایران، لازم است سازمان‌های متولی این موضوع، همت مضاعف در اجرایی نمودن خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های تدوین شده داشته باشند.

برای ایفای نقش تنظیمی، لازم است دولت به منظور جهت‌دهی و کمک به شناسایی فرصت‌ها و طرح‌های محوری به تعاونی‌ها، طرح‌های مناسب را شناسایی و معرفی نماید و از طریق گسترش سامانه‌های اطلاعاتی معاملات دولتی، آن‌ها را از نیازمندی‌های بازار مطلع نماید. این موضوع تعاونی‌ها را مجاب به ورود به بازارهای جدید، نوآوری در محصولات و ایجاد کسب‌وکارهای جدید مناسب می‌نماید. لازم است دولت برای کمک به تحقق طرح‌ها و ایده‌های نوآورانه، تسهیلات لازم را پس از بررسی طرح‌های مناسب ارائه نماید.

دولت برای ایفای نقش شناختی، لازم است جهت بهره‌مندی تعاونی‌ها از مشاوره‌های تخصصی پیرامون مباحث کارآفرینی، مشاوران و مدرسان خبره را شناسایی و یا در صورت لزوم تربیت نموده و زمینه همکاری آنان با تعاونی‌ها را فراهم نماید. همچنین می‌تواند با برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی با سطح کیفی مناسب و اساتید مجرب به طور مکرر، به آشنایی بیشتر تعاونی‌ها با دانش کارآفرینی کمک نماید.

دولت برای ایفای نقش هنجاری، با معرفی تعاونی‌های نمونه و الگوهای موفق تعاون و با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، در جهت شناساندن فرهنگ تعاون و کارآفرینی با استفاده از ظرفیت‌های تعاونی‌ها، به ترویج و گسترش آن کمک نماید.

هر مطالعه علمی دارای محدودیت‌هایی است که تحقیق حاضر از این امر مستثنا نبوده است. مشکلات دستیابی به افراد خبره و کارشناس در بخش اجرای روش دلفی و همچنین سختی ارسال و دریافت پرسش‌نامه از جامعه آماری تحقیق در بخش آزمون تجربی مدل، نیز در شمار محدودیت‌های این پژوهش قرار می‌گیرند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله تحت حمایت اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کرمان تدوین شده است.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت رعایت شده است.

فهرست منابع

- آقاجانی، حسن علی؛ صمدی میارکلایی، حمزه؛ صمدی میارکلایی، حسین (۱۳۹۴). *بررسی رابطه میان کارآفرینی سازمانی و ویژگی‌های سازمان یادگیرنده*. فصلنامه علمی و پژوهشی فراسوی مدیریت (مدیریت بهره‌وری)، دانشگاه آزاد تبریز.
- پورآتشی، مهتاب (۱۳۸۷). *شناخت‌شناسی تعاون و کارآفرینی*. تعاون، دوره پانزدهم، ۲۰۱-۲۰۲.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان مینودشت*. مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره پنجم، شماره ۱۵، ۲۰۵-۲۱۸.
- حسین‌پور، داوود؛ زارعی‌وش، فاطمه (۱۳۸۹). *الگوی کارآفرینی سازمانی مطالعه موردی: اداره کل تعاون استان تهران*. تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، ۱۷۱-۱۹۴.
- دانایی فرد، حسن؛ فروهی، مهشید؛ صالحی، علی (۱۳۸۶). *ارتقای کارآفرینی در ایران: تحلیلی بر نقش دولت*. پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۲۲۱-۲۶۲.
- داوری، علی؛ رضایی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *نقش دولت و خط‌مشی‌های دولتی در توسعه کارآفرینی*. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، سال یکم، شماره ۲.
- رضایی، روح‌الله؛ حسینی، سید محمود (۱۳۹۲). *طراحی مدل معادلات ساختاری توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان*. توسعه کارآفرینی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، ۵۷-۷۴.
- صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۸). *سازمان‌های کارآفرین*. چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عطاردیان، امیر (۱۳۹۲). *بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی خط‌مشی‌گذاری دولتی در بخش کارآفرینی کشور*. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش‌محور)، بابلسر، دانشگاه مازندران.
- فولادی، مهران؛ زنگنه، افسانه (۱۳۹۵). *سیاست‌های نوآوری تأمین مالی برای توسعه کارآفرینی مقایسه سنگاپور، تایوان و ایران*. چهارمین همایش ملی و دومین همایش بین‌المللی ایده‌های نوین در علوم مدیریت و اقتصاد.
- گودرزی، زهرا (۱۳۹۲). *شناسایی نقاط ضعف و قوت تعاونی‌های کشاورزی در کارآفرین شدن با استفاده از تکنیک SWOT*. ماهنامه کارآفرین ناب، دوره پنجم، ۵۱-۷۵.

- محمدی، محمد علی (۱۳۹۱). بررسی نقش تعاونی‌های کشاورزی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای عملیاتی برای توسعه و ترویج فرهنگ تعاون. مجموعه مقالات چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران، کرج.
- مقیمی، سید محمد و کیلی؛ اکبری، مرتضی (۱۳۹۲). نظریه‌های کارآفرینی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهننگار، سمیه؛ حسینی نیا، غلامحسین (۱۳۸۸). شناسایی نیازهای آموزشی مدیران عامل تعاونی‌های مرغداری و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی مرغداران استان خراسان رضوی، تعاون، دوره بیستم، ۱۷-۲۸.
- میرزایی، داوود؛ امرایی، ساسان؛ نظری، نبی (۱۴۰۰). رابطه فرهنگ سازمانی و کارآفرینی. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس. دوره ۸، شماره ۴، ۱۳-۲۱.
- نظریان، مهناز؛ حسینی، محمود (۱۳۹۴). عوامل اقتصادی مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های کشاورزی. فصلنامه تعاون و کشاورزی، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۱۱۹-۱۳۴.
- نکویی نائینی، سید علی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی جامعه روستایی بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی: مطالعه موردی شهرستان اصفهان. روستا و توسعه، دوره ۱۹، شماره ۳، ۱۲۱-۱۳۸.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۳). خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور. تهران، انتشارات دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف.

References

- Bosma N. Content J. Sanders M. et al. 2018. Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. *Small Bus Econ* 51, 483–499. available on: <https://doi.org/10.1007/s11187-018-0012-x>.
- Lundström A. Stevenson L. 2001. Entrepreneurship policy for the future: best practice components. Keynote Presentation at the 46th World Conference of the International, Council for Small Business, June 18.
- Nolan A. 2004. Entrepreneurship and local economic development: policy innovations in industrialized countries. Based on *Entrepreneurship and Local Economic Development Book*. OECD: 77-90. available on: <http://www.oecdpublications.gfi-nb.com/cgi-bin/oecdbookshop.storefront>
- Sonja N. 2008. Defining the Cooperative difference. *Journal of Socio Economics*, 2168–2177.
- Turner M. Sermcheep S. Anantasirijkiat S. Srisangnam P. 2016. Small and mediumsized enterprises in Thailand: government policy and economic development. *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 38(4): 251-269.
- UNCTAD. 2004. Entrepreneurship and Economic Development. United Nations Conference On Trade And Development (UNCTAD): 6-14.
- World Economic Forum. 2018. The Global Gender Gap Report. available on: <http://www.tinyurl.com/h8c969x>.

